

سیمای مصدق پس از انقلاب اسلامی

پیام غنی زاده

زیتون سبز

۱۳۹۶

سرشناسه: غنی زاده، پیام، ۱۳۶۴ -
 عنوان و نام پدیدآور: سیمای مصدق پس از انقلاب اسلامی/ پیام غنی زاده.
 مشخصات نشر: تهران: زیتون سبز، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۹۶-۰۷-۹
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: کتابنامه.
 موضوع: مصدق، محمد، ۱۲۶۱ - ۱۳۴۵.
 موضوع: نخست وزیران -- ایران -- سرگذشته
 Prime ministers -- Iran -- Biography
 م. ه. ع: ایران: -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ -- سیاست و حکومت
 م. ه. ع: Pahlavi: -- History -- ۱۹۲۵ - ۱۹۷۸ -- Politics and government
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ س ۹/ع ۱۵۱۵ DSR
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۱۵۷۶۹



سیمای مصدق پس از انقلاب اسلامی

نویسنده: پیام غنی زاده

صفحه آرا: آرش جلالی

طراح جلد: حامد صادقی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

لیتوگرافی: مائوراء

چاپ: زیتون سبز

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۹۶-۰۷-۹

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شناسی نشر: تهران، خیابان انقلاب، بین ویلا و حافظ، خیابان پورموسی، کوچه بامشاد، پلاک ۲، واحد ۱

کد پستی: ۱۵۹۹۶۱۷۷۱۱ تلفن: ۲۱-۸۸۹۴۸۸۲۰۰۰ دورنگار: ۸۸۹۳۲۶۵۲

فهرست

۹.....	یادداشت
۱۰.....	مقدمه
۱۴.....	پیشگفتار

فصل اول

تحلیل گفتمان و منازعات کلامی

۱۹.....	مقدمه
۱۵.....	نگاهی اجمالی به مقدمات نظری

فصل دوم

بازتاب دین در اندیشه و عمل مصدق

۳۱.....	مقدمه
۳۱.....	وجاهت دینی خانواده محمد مصدق
۳۳.....	دین در مکتوبات مصدق
۳۴.....	گرایش‌های دینی مصدق در سخنرانی‌ها

۴۱.....	اقدامات دینی مصدق
۴۷.....	مصدق و نیروهای مذهبی
۴۷.....	گرایش اول؛ حمایت ضمنی
۴۹.....	گرایش دوم
۴۹.....	الف) رابطه‌ی مصدق و آیت‌الله کاشانی
۵۳.....	ب) سایر روحانیون حامی دولت ملی
۵۶.....	فرجام

فصل سوم

رقابت بین جریان‌های سیاسی سنت‌گرای مذهبی، ملی / مذهبی و ملی‌گرا

۵۹.....	مقدمه
۶۱.....	منازعات و رقابت‌های سیاسی بر سه جبهه ملی و جریان سنتی مذهبی
۶۶.....	ماهیت رقابت سیاسی میان حزب سنتی مذهبی و دولت موقت
۶۶.....	اختلافات دولت موقت و شورای اساتید
۷۱.....	اختلافات دولت موقت با امام خمینی و هبرانقلاب
۷۵.....	اختلاف بر سر اصل ولایت‌فقیه
۷۷.....	بحران گروگان‌گیری؛ حذف بازرگان و دولت موقت از صحنه قدرت
۸۰.....	ماهیت رقابت سیاسی بین جریان سنتی مذهبی و جبهه ملی - نخستین رئیس‌جمهور؛ ابوالحسن بنی‌صدر
۸۰.....	اختلافات بنی‌صدر با حزب جمهوری اسلامی و محمدعلی رجایی
۸۷.....	واقعۀ ۱۴ اسفند ۵۹؛ تلاشی در راستای کسب هژمونی کامل بر سایر رقبای سیاسی
۹۰.....	فرجام

فصل چهارم

تأثیر رقابت گفتمان اسلام سیاسی و ملی، ملی/ مذهبی بر چهره مصدق طی سال‌های ۶۰-۱۳۵۷

مقدمه.....	۹۵
پیشینه‌ی انتقادات مذهبی نسبت به محمد مصدق.....	۹۷
انتقادات مذهبی نسبت به مصدق در آثار مکتوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۱۰۱
نماد مصدق، ابزار مشروعیت‌سازی یا مشروعیت‌زدا برای گفتمان ملی.....	۱۰۸
دیدگاه امام خمینی درباره‌ی مصدق.....	۱۱۹
فرجام.....	۱۲۲
نتیجه‌گیری.....	۱۲۴
پیوست.....	۱۳۱
کاربرد واژگان دینی در نامه‌های ۶۰- مصدق.....	۱۳۲
منابع و مآخذ.....	۱۴۵

یادداشت

کتاب حاضر حاصل و برآیند پژوهش‌های نگارنده‌ی اثر، طی سال‌های ۸۸-۱۳۸۷ است که در سال ۱۳۹۶ با اصلاحاتی به چاپ رسیده است. در این پژوهش تلاشی شده تا باغ از سوءگیری و پیش‌داوری و بر اساس ادبیات موجود با نگاهی واقع‌بینانه نسبت به تحولات سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، اثرگذاری رقابت‌های میان جریان‌های مختلف بر چهره‌ی نخست‌وزیر پیشین ایران در دوران ملی شدن صنعت نفت مورد بازبینی قرار گیرد. بر همین اساس مصاحبه‌های مختلف با افراد مطلع و مرتبط با موضوع انجام شده که شایسته است در این خصوص از جناب آقای محمد ترکمان، دکتر محمدمهدی جعفری و آقای حسین شاه‌حسینی تشکر نمایم. همچنین تشکر و قدردانی خود را از دکتر حمید احمدی عضو هیئت‌اعمالی دانشگاه تهران به خاطر پیشنهاد طرح اولیه موضوع و راهنمایی پژوهش و دکتر پریچهر شاهسون به خاطر حمایت‌ها و مشاوره‌ی این پژوهش اعلام می‌نمایم. در پایان شایسته است از جناب آقای دکتر سید علی مرتضویان بابت رهنمودهای روش‌شناسانه و خانم دکتر شباهنگ مهاجرانی بابت بازخوانی متن کتاب قدردانی کنم.

مقدمه

ایران معاصر همچون سایر کشورهای خاورمیانه، درگیر کشمکش میان سه جریان سیاسی-اندیشه‌ای شد. در یکسو ملی‌گرایان قرار داشتند که از اواسط قرن نوزدهم میلادی در پی آغاز بحران‌های هویتی ناشی از شکست‌های بیرونی و کاهش اقتدار حاکمیتی، به تسبیح عمومی برای بیداری سراسری ملی که هدفش توسعه و استقلال بود، دست‌زد و تحولات بزرگ‌تری همچون انقلاب مشروطیت را رقم زدند. از سوی دیگر در سال‌های آغازین دومین دهه‌ی قرن بیستم، ردپای تدریجی یک جریان سیاسی و فکری دیگر که ریشه در دگرگونی‌های اروپایی و روسیه داشت و الگوگیران از اندیشه‌های مارکس و سوسیالیست‌های پیش از او را پیشه‌ی خود کرده بود پدیدار شد. سیاست‌های ایران گذاشت و در دوران پس از برکناری دولت رضاشاه توسط قدرت‌های خارجی (روس و انگلستان)، به یکی از بزرگ‌ترین جریان‌های سیاسی معاصر ایران، یعنی چپ، تبدیل شد. در همان دوران، شاید تحت تأثیر دگرگونی‌های جهان عرب و به‌ویژه مصر، گروه سومی که به اسلام سیاسی شناخته شد و نخست در گروه فداییان اسلام و در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ در شکل گروه‌های گوناگون دیگری چون حزب ملل اسلامی، انجمن موفقه و سازمان مجاهدین خلق خود را جلوه‌گر ساخت، وارد صحنه سیاست ایران شد. این سه

جریان سیاسی-ایدئولوژیک که هریک در پی به دست گیری قدرت و اداره‌ی جامعه بر اساس آرمان‌های خود بودند، از همان دوران پس از جنگ جهانی دوم نوعی رقابت و بعدها مبارزه سیاسی را با یکدیگر آغاز کردند. کشمکش این جریان‌ها گرچه در آغاز بیشتر بعد سیاسی، تشکیلاتی و تبلیغاتی داشت، اما در صورت تبدیل شدن هریک از آن‌ها به قدرت مسلط و به دست گرفتن دستگاه دولت، شکل‌های تندتری را به صورت تصفیه‌ها و حذف‌های فیزیکی نیز از خود بروز می‌داد. هرچند یک بُعد این رقابت و کشمکش بر سر اندیشه‌ها و آرمان‌ها در گرفته بود، اما بُعد مهم دیگر آن بر سر قدرت و چگونگی رسیدن به آن جریان داشت. این رقابت‌ها در سال‌های پس از کودتای ۱۳۳۲ جلوه بیشتری از خود برآورد و گرچه هر سه جریان ملی، مذهبی و چپ به گونه‌ای در برابر دولت ایستادگی می‌کردند، اما این مبارزه مشترک مانع آشکار شدن رقابت‌های سیاسی-ایدئولوژیک یک میان آن‌ها نشد.

درواقع کنار بودن از ساختار قدرت در سال‌های سه دهه‌ی پس از کودتا، مرزهای سیاسی میان آن‌ها را گسترش داد و انبوهی از نوشته‌های بعدی، ابعاد اختلافات فکری و ایدئولوژیک آن‌ها را بیشتر آشکار ساخت. گرچه کشمکش‌های میان این سه جریان سیاسی-ایدئولوژیک معاصر ایران که در چارچوب سازمان‌هایی چون جبهه ملی ایران، دانش‌ان اسلام و حزب توده و دیگر جریان‌های منشعب از آن‌ها خود را جلوه‌گر ساخت تا سال‌های پیش از انقلاب ۱۳۵۷ شکل سیاسی و تبلیغی و نوشتاری داشت، اما پس از آن نمود فیزیکی نیز به خود گرفت. سال‌های نخست انقلاب اسلامی سال‌های برخورد و حذف عملی دو جریان رقیب چپ و ملی از ساختار قدرت و صحنه سیاسی جمهوری اسلامی بود.

با این همه یکی از دیرپاترین این کشمکش‌ها، چه به شکل سیاسی و تبلیغی و نوشتاری و چه به شکل فیزیکی‌اش، کشمکش میان جریان ملی و اسلامی بود که در سال‌های پس از کودتای ۱۳۳۲ به تدریج رو به رشد گذاشت و پس از انقلاب به اوج خود رسید و به حذف جریان ملی نه تنها از ساختار قدرت بلکه

از صحنه سیاسی جمهوری اسلامی منجر شد. این کشمکش ایدئولوژیک از یکسو در چارچوب بحث رابطه اسلام و ناسیونالیسم که در گستره‌ی خاورمیانه بسیار آشکار بود جلوه‌گر شد و از سویی دیگر، بر سر چهره‌های نمادین رهبری کننده این جریان‌ها.

محمد مصدق سیاستمدار برجسته‌ی ایران معاصر و نخست‌وزیر ایران در سال‌های ملی شدن صنعت نفت به یکی از نمادهای این کشمکش سیاسی-ایدئولوژیک میان دو جریان اسلامی- ملی تبدیل شد. درحالی‌که جریان ملی‌گرا مصدق را یکی از چهره‌های برجسته‌ی تاریخ ایران و قهرمان مبارزه علیه امپریالیسم و استعمار می‌دانست، جریان اسلام‌گرا، در مقابل بر اهمیت آیت‌الله کاشانی به عنوان محرک اصلی ملی شدن صنعت نفت تأکید می‌کرد. این کشمکش تنها در سطح دفاعی باقی نماند و به گونه‌ای جنبه‌های تهاجمی نیز به خود گرفت. انبوه نوشته‌های ضد مصدقی از سوی هواخواهان جریان اسلام‌گرا و از سوی دیگر اندیشا پردازان برخی از آثار درباره‌ی آیت‌الله کاشانی و نقش او در کودتای ۲۸ مرداد که در کتاب ۲ جلدی «مکتوبات آیت‌الله کاشانی» نوشته‌ی محمد ترکمان (محمد دهنوی) انتشار یافت، پیامد تهاجم دو جریان به نمادهای یکدیگر بود.

هرچند که مدافعات هواخواهان جریان ملی و مصدق در برابر سیل تهاجمات ضد مصدقی جریان اسلام‌گرا بیشتر به شکل ضربه به کاشانی و دیگر چهره‌های جریان اسلامی نمود یافت، اما در عرصه‌ی پژوهشی و دانشگاهی کمتر به واکاوی و شالوده شکنی اتهامات دو طرف به نمادهای سیاسی یکدیگر انجامید. یکی از جنبه‌های مهم حمله‌ی جریان اسلام‌گرا به جریان ملی، وارد ساختن اتهاماتی به مصدق بود که از او یک چهره‌ی ضد اسلامی و ضد دینی را به نمایش می‌گذاشت. در این تصویر، مصدق سیاستمداری جلوه‌گر می‌شد که نه تنها دارای بنیان‌های اعتقادی و دینی نبود، بلکه در عمل و کردار سیاسی خود نیز دشمنی با اسلام و نیروهای مذهبی را نشان می‌داد. در این گیرودار کشمکش سیاسی، آنچه کم می‌نمود پژوهش درباره‌ی چندوچون این کشمکش،

ریشه‌یابی آن، شالوده‌شکنی و واکاوی این اتهامات بوده است.

کتاب پیش روی، یکی از نمونه‌های تلاش برای پر کردن این خلا است. نویسنده‌ی کتاب، آقای پیام غنی زاده که در دوره‌ی آموزشی دانشگاهی خود در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشجوی اینجانب بود، این همت را در پیش گرفت تا نه تنها علل و عوامل این کشمکش را تحلیل کند، بلکه با شالوده شکنی اتهامات ضد مذهبی بودن به مصدق، لایه‌های سیاسی این کشمکش را که ریشه در قدرت و تلاش برای دستیابی به آن و حذف جریان رقیب از ساختار قدرت داشت، مورد تحلیل قرار دهد. آقای غنی زاده با بهره‌گیری از یک چارچوب نظری ترکیبی که بر نظریه‌های «گفتمان» و «هژمونی» تکیه دارد، نشان می‌دهد که این تسویرسازی از مصدق پیامد یک مبارزه‌ی طولانی قدرت میان جریان اسلامی و غیر اسلامی بود و از بُعد هستی‌شناختی نیز اتهامات ضد مذهبی وارد به مصدق با واقعیت زندگی عملی و خانوادگی او انطباق نداشته است. یکی از نوآوری‌های مهم این کتاب، همین شالوده شکنی اتهام ضد اسلامی و ضد مذهبی بودن مصدق است. نویسندگان با رجوع به اسناد و نوشته‌های موجود، نشان داده است که اصولاً مصدق به واسطه شخصیت و خانوادگی فردی وفادار به اعتقادات دینی بوده و نوشته‌ها و عمل اجتنابی او نادرستی اتهامات وارده به او را جلوه‌گر می‌سازد. امید است که انتشار کتاب و خواندن آن راهگشای گام‌های بعدی برای شالوده شکنی از فرا روایت‌های سیاسی-ایدئولوژیک حاکم بر تاریخ ایران معاصر باشد.

دکتر محمد احمدی

تهران، اسفند ۱۳۹۵

پسگفتار

در سال ۱۳۵۱ تحولی شگرف در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران به وقوع پیوست و نظام سیاسی، روشی پادشاهی در ایران که قدمتی ۲۵۰۰ ساله داشت برچیده شد. در جریان این دگرگونی وسیع، نیروهای سیاسی اجتماعی متعددی از چپ‌ها و مارکسیست‌ها تا ملی‌گرایان پیرو مصدق با نیروهای مذهبی دست به ائتلافی گسترده زدند و به عنوان جریان ضد هژمون در برابر گفتمان پهلویسم ایستادگی کردند و موفق شدند نظام پادشاهی را براندازند. با سقوط پهلوی دوم جریان ائتلاف دچار چنددستگی شد. هریک از بازیگران در راستای دستیابی به قدرت، کوشش کردند بیشترین سهم را به دست آورند. در این میان جریان سیاسی چپ به دلیل اختلافات عمیق ایدئولوژیک با جریان اسلامی که از رهبری معنوی امام خمینی بهره می‌برد در عمل نتوانست سهمی از قدرت به دست آورد. لذا جریان‌های سیاسی ملی و ملی/مذهبی از یکسو و جریان اسلام‌گرا از سوی دیگر سعی کردند تا سهم خود را از قدرت سیاسی افزایش دهند. همین مسئله باعث شد تا برای مدتی حاکمیتی دوگانه در ایران برقرار گردد. بر این اساس هر یک از گفتمان‌های جایگزین پهلویسم، تلاش کردند بر مبنای دال مرکزی خود، مفصل‌بندی گفتمانی مستحکم‌تری به وجود آورده و با معناسازی و هویت بخشی به دال‌های شناور به تقویت گفتمان متبوعشان در برابر دیگری بپردازند. بدین ترتیب گفتمان سنتی مذهبی، دال مرکزی اسلام سیاسی را با رهبری معنوی امام خمینی ممزوج کرد و موفق

شد میزان دسترسی به توده‌های مردم و همچنین اعتبار جریان فکری خود را تا حد بسیار زیادی گسترش دهد. در مقابل، گفتمان ملی نیز ناسیونالیسم را به عنوان دال مرکزی جریان فکری خود برگزید اما به دلیل آنکه طی سال‌های گذشته (بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا وقوع انقلاب اسلامی) از چهره‌ی شاخصی که اجماع خاصی حول آن وجود داشته باشد بهره‌مند نبود؛ لذا تلاش کرد تا مصدق را همچنان به عنوان رهبر معنوی جریان سیاسی خود برگزیند تا از این طریق قابلیت اعتبار و دسترسی این جریان سیاسی را افزایش دهد. همین مسئله باعث می‌شود تا طی سال‌های پس از انقلاب به اشکال مختلف گرایش‌های متعددی برای مصدق و در راستای بهره‌گیری سیاسی از نام و یاد او برگزیده شد. در مقابل جریان سنتی مذهبی نیز کوشش کرد تا در برابر این گونه اقدامات ضمن به چالش کشیدن مصدق به عنوان رهبر ملی‌گرایی که عملاً پس از «نیاید»، نام و یادش مجدداً وارد کارزار سیاسی شده بود، به بازخوانی و بازسازی تاریخ پرداخته و در جریان تاریخ‌نگاری پس از انقلاب، مصدق را از زمره تجزیه و تحلیل قرار دهد. به پیروی از این روند، آثار مکتوبی نیز توسط انجمن‌های مذهبی از جمله، «قیام ملت مسلمان ایران، ۳۰ تیر ۱۳۳۱» به قلم محمود کاشانی «مصدق از حمایت تا خیانت» نوشته عبدالحمید دیالمه و همچنین آثار دیگری از جمله «چهره حقیقی مصدق السلطنه»، «نگرشی کوتاه بر نهضت ملی شدن ملت» و «درس‌هایی از تاریخ سیاسی ایران» توسط حسن آیت به رشته تحریر درآمد.

اصولاً برخی افراد و گروه‌ها، انتقادات متعددی نسبت به مصدق مطرح کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در ذیل دو عنوان گرایش‌های دینی او و «ایران تعهد وی به دموکراسی طبقه‌بندی کرد؛ البته در نقدهای هر یک از این دسته‌بندی‌ها شدت و ضعف نیز دیده می‌شود. بر همین اساس برخی معتقدند وی هرگز به دموکراسی پایبند نبوده و هر جا که لازم دانسته آن را نادیده گرفته است و دسته‌ای دیگر وی را قائل به دموکراسی ارشادی دانسته‌اند و به پشتوانه همین دیدگاه برآنند که همه‌پرسی در انحلال مجلس نیز بدین جهت انجام شد که

او می‌خواست اصلاحاتی به نفع عامه جامعه انجام دهد که ترکیب جمعیتی اشراف زمین‌دار در مجلس امکان اصلاحات به نفع توده‌های مردم را فراهم نمی‌کرد. لذا وی مجبور شد تا مجلس را از اعتبار بیاندازد. در طیف انتقادات مذهبی نیز انتقادات ابتدا شیب ملایمی دارد اما هرچه از سال‌های اولیه انقلاب می‌گذرد و به دهه‌ی ۶۰ نزدیک می‌شویم انتقادات شکل جدی‌تر و شدیدتری به خود می‌گیرد. لذا در این اثر قصد داریم تا دسته دوم انتقادات که شکل مذهبی و ایدئولوژیک به خود گرفته است را مورد بررسی قرار داده و میزان گرایش‌های دینی مصدق را هم در عرصه‌ی سخن و هم عمل مورد واکاوی قرار دهیم. دریابیم که این انتقادات صرفاً مذهبی بوده و یا تحت تأثیر شرایط و منازعات سیاسی وقت، دامن زده شده و گسترش پیدا کرده است. اثر حاضر بر آن است که تاریخ‌نگاری جریان سنتی مذهبی پس از انقلاب، طی سال‌های ۶۰-۱۳۵۷ را در مورد مصدق و اقدامات او بررسی کرده و نقش و تأثیر رقابت‌های سیاسی سال‌های اول پس از انقلاب را بر چهره‌ی نخست‌وزیر وقت ایران مورد واکاوی قرار دهد. این اساس در فصل اول مبانی نظری پژوهش را بر پایه تحلیل گفتمان لاکلا، موفه و همچنین نظریه هرژمون آنتونیو گرامشی مطرح کرده و در فصل دوم بازتاب دینی را در آراء، اندیشه و عملکرد مصدق بررسی می‌کنیم تا وجاهت دینی و مذهبی او را بسنجیم. در فصل سوم منازعات و کشمکش‌های سیاسی طی سه سال اول پس از انقلاب (۶۰-۱۳۵۷) را در جریان حاکمیت دوگانه و تلاش گفتمان‌های سنتی مذهبی و ملی، ملی/مذهبی در راستای هرژمونیک شدن توصیف کرده و در فصل پایانی تأثیر این منازعات سیاسی و ایدئولوژیک را بر چهره‌ی مصدق در تاریخ‌نگاری پس از انقلاب مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌دهیم.

پیام غنی زاده

دی‌ماه ۱۳۹۵